



باغبان هندی، به فیل زخمی که به روستایی در جنوب هند آمده، آب می‌رساند، عکس از خبرگزاری رویترز

شکار لحظه‌هایی کم‌نظیر توسط وارن کیلان، عکاس نشنال جئوگرافیک



جلسه علنی مجلس شورای اسلامی و بازدید دانش‌آموزان، عکس از خبرگزاری مهر

دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

گاهی نعمت‌های خدا، برای آزمایش است



حضرت آیت‌ا... جوادی آملی مفسر قرآن و استاد اخلاق، در جلسه درس اخلاق خود درباره نعمت‌های خداوند هشدار می‌دهد. حضرت آیت‌الله العظمی آملی می‌فرمایند: نعمت‌های خداوند بسیار است، اما این نعمت‌ها را باید با احتیاط و تقوا حفظ کرد. اگر انسان این نعمت‌ها را هدر دهد، خداوند او را عذاب خواهد کرد. این سخن را می‌توانیم به عنوان یک درس اخلاق در نظر بگیریم.

داستان‌های واقعی

آقا مهدی هم بود

یکی از هم‌زمان شهید مهدی باکری فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا، درباره تواضع ایشان نقل کرده است: وقت نماز جماعت که می‌شد، اصرار می‌کرد من جلو بایستم. قبول نمی‌کردم. من یک بسیجی ساده بودم و آقا مهدی فرمانده لشکر. نمی‌توانستم قبول کنم. بهانه می‌آوردم اما تقریباً همیشه آقا مهدی زورش بیشتر بود. چند بار شد که با حرف‌هایش گریه‌ام انداخت. می‌گفت: «شما جای پدر و عموی ما هستید، شما باید جلو وایستید.» بعضی وقت‌ها خودش را از من قایل می‌کرد، نماز که تمام می‌شد، در صف می‌دیدمش یا بعضی وقت‌ها بچه‌ها می‌گفتند که «آقا مهدی هم بوده‌ا!»

مجموعه «یادگاران»، کتاب مهدی باکری

پندنیکان



بریده‌ها

آدم‌هایی که ما را ساخته‌اند

همه ما توسط کسانی که دوست‌مان داشته‌اند ساخته و باز ساخته شده‌ایم... ما اثر افراد اندکی هستیم که در عشق‌شان به ما مساجت به خرج داده‌اند.

برگرفته از کتاب «برهوت عشق» اثر فرانسوا موریاک

کاریکلماتور



اندک‌صبر

بی‌نیاز از شعر

به خاطر تو تمام زبان‌های دنیا را فرا گرفتم حتی زبان‌های مرده را تازیانه‌ترین شعرها را بخوانم و مثل آن بنویسم غافل از این که تو زیباترین سروده جهانی

غسان حمدان

دور دنیا

گوگل تلفنی!



ادیتی سنترال/ تصور این که قبل از به وجود آمدن اینترنت مردم چطور جواب سوالات مختلفشان را پیدا می‌کردند بسیار ساختار است. نیروهای خدمات تلفنی کتابخانه‌های عمومی در نیویورک در آن زمان وظیفه داشتند که به انواع سوالات علمی، پزشکی و اجتماعی مردم

با استفاده از کتاب‌ها جواب دهند. شاید باورتان نشود اما هنوز هم این سرویس در آمریکا فعال است و افرادی ۲۴ ساعته در کتابخانه‌ها نشسته‌اند تا انواع سوالات مردم را پاسخ دهند!

کشیدن ماشین با شانه!



اسکای نیوز/ پسر نوجوان ۱۸ ساله هندی به نام «آیشک چوبی» از ۸ سالگی متوجه استعداد عجیبش در حمل بار با شانه‌های قدرتمندش شد! او از همان سال‌ها با تمرین زیاد، انواع وزنه‌ها را با نیروی شانه‌هایش می‌کشد و حالا در ۱۸ سالگی موفق شده است که با یک شانه‌اش دو ماشین غول

پیکریک و نیم تنی را ۲۷/۵ متر روی زمین بکشد! او تصمیم دارد به زودی نامش را در کتاب رکورد‌های گینس ثبت کند.

فنجان قهوه ساخته شده از خاکستر مرده!



ادیتی سنترال/ رسم سوزاندن مردگان در آمریکا سال‌هاست که پابرجاست و به همین دلیل هم یک هنرمند مجسمه‌ساز، تصمیم گرفت با استفاده از هنرش، خاکستر مرده‌ها را همیشه کنار عزیزانشان حفظ کند! او حالا شرکتی تأسیس کرده است و با استفاده از خاکستر مردگان، برای نزدیکانشان سرویس فنجان یا سرویس ناهار خوری می‌سازد! هر فنجان قهوه با استفاده از خاکستر مردگان، ۳۵ دلار قیمت دارد!

زوم

Telegram: @zendegisalam
E-mail: photo@khorasannews.com

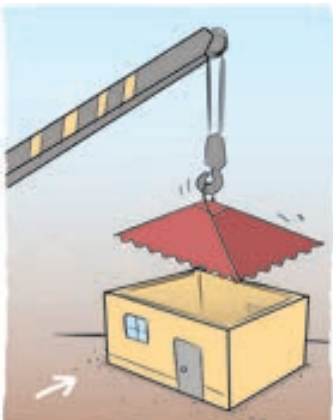


جاده کلوت شهداد در کرمان، عکس از رضا محمدی

مسابقه شماره ۱۱۰



با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعد هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می‌شه که پاسخ صحیح ۳ مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما» ی بعدی! متن کل پیامک‌های رسیده در وب سایت! تصویرساز: سعید مرادی



(؟ ! * × = / -)



(! * } - ÷ * !)



{ \ = ! (* × ÷ }

سفرنامه

یک‌روز ناصرالدین‌شاه چگونه‌می‌گذشت؟

ادوارد پولاک پزشک آلمانی که در اواسط قرن نوزدهم، ۱۰ سال در ایران زندگی می‌کرد، با شاه قاجار، حشر و نشر زیادی داشته است. او در سفرنامه‌ای که درباره این اقامت طولانی نوشته، یک روز ناصرالدین شاه را این‌گونه توصیف کرده است:

شاه حدود ساعت هشت صبح از حرمسرا خارج می‌شود، یک فنجان چای با قدری نان روغنی میل می‌کند که از طرف قهوه‌چی‌باشی تقدیم حضور می‌گردد. برحسب اشتهای و خلق و خوی خود، بین ساعت نه تا یازده و نیم به بانگ بلند می‌گوید: «ناهار بیار.» و جواب خدمه همیشه این است «بله، قربانت شوم.» رئیس خلوت که فرمان به وی ابلاغ شده، به سهم خود فرمان را به آبدارباشی و او نیز به فراش‌باشی و فراش‌باشی هم به شاگردش بازگو می‌کند. کم‌اتفاق می‌افتد که این بچه فرمان را فراموش کند تا آن که شاه با بی‌صبری امریه را تکرار می‌کند تا بالاخره به او برسند و غذایش را بدهند. با مقدار غذایی که هر روز در مقابل شاه می‌گذارند، حدود صد نفر می‌توانند سیر شوند اما وی به تبعیت از رسمی موجود همیشه تنها غذا صرف می‌کند. اطبای مخصوص شاه، در فاصله‌ای ایستاده‌اند. یکی از درباریان، ماجرای او را وقایع‌نامه‌ها باز می‌خواند یا محاسبات مربوط به درآمد و مخارج مملکتی را به عرض می‌رساند که شاه پس از صرف صبحانه با «صحیح است» خود به آن‌ها صحنه می‌گذارد. وی بر طبق رسم آن کشور، با انگشتان خود چلو برمی‌دارد و بی‌آن که نگاه کند می‌داند چگونه چیز خوب را از بد جدا کند. در نتیجه من بارها شنیدم که می‌گفت: «شما چطور با این ابزارها غذا می‌خورید؟ مزه غذا از سر انگشتان آدم شروع می‌شود.»

«ایران و ایرانیان»، صفحه ۹۸

یادش بخیر



نویسنده: سیدمصطفی صابری

ماوشما

شماره پیامک: ۳۰۰۰۹۹۹

* «خفن استرپ» شماره ۱۱۰ که هنوز چاپ نشده، جوابش روزدی؟ حواست کجاست عزیز؟
* از تلاش بی‌دریغ آقای فریدونی در بخش «فارسی بنویسیم» بسیار سپاسگزاریم. در متن سه‌شنبه ایشان، واژه‌هایی مانند حاضر، تذکر، اصلاح، سلام و... که عربی است به چشم می‌خورد. امیدواریم که ایشان فقط به واژه‌های انگلیسی توجه نکنند و واژه‌های عربی را نیز که طی سال‌ها وارد زبان فارسی شده‌اند مورد توجه قرار دهند.
* آفرین به آقای کاردار که در صفحه «زندگی سلام» مطالب طنز خود را با انتقاد زیرکانه از معضلات اجتماع درآمیخته‌اند و به بیان طنز بی‌هدف نمی‌پردازند. ولی در مقابل متأسفانه طنز «کله‌چوکی» در سطح و اندازه روزنامه نیست و صرفاً وقت‌گذرانی است.
* همسر گلم اعظم جان، با تمام وجود دوست دارم.

* دیدین شلوک هولمز حتی سر صحنه جرم هم چه مرتب و اتوکشیده حاضر می‌شه؟ اونوقت من لباسی که داداشم چهار سال پوشیده بود رو ورداشتم برای دانشگاهم ببوشم، بابام می‌گه اسراف نکن بچه، اونجا حیفه اینو ببوشی!
* جناب فریدونی، بیگانه بیگانه است. چه انگلیسی چه آلمانی و چه عربی، چرا حساسیت به واژه‌های عربی ندارید؟



بخش

«...به آیتم بعدی توجه بفرمایید» این جمله‌ای است که بارها توسط مجریان تلویزیون گفته شده و ما هم شنیده‌ایم. معمولاً هر کلمه‌ای که از جایگاه رسمی مثل تلویزیون پخش شود اغلب پذیرفته می‌شود اما من قصد دارم بعضی واژه‌های بیگانه را که می‌توان جایگزین کرد، نه تنها نپذیرم، بلکه دست به کار شده و از خزانه لغاتی که در حافظه دارم یا از مراجع دیگری به دست می‌آورم کلمه‌ای جایگزین آن کنم. تازه به این هم بسنده نمی‌کنم بلکه آن واژه را به گوش شما عزیزان هم می‌رسانم. درباره واژه «آیتم» هم همین روال را در پیش می‌گیرم. چطور است از همان کلمه همیشگی «بخش» استفاده کنیم؟

ریشه ضرب المثل

از کوزه همان برون تراود که در اوست

در قدیم، آب آشامیدنی را برای تصفیه در کوزه‌ای می‌ریختند و در آن را با کلاهکی از حصیر یا ابریشمی می‌پوشاندند. سپس کوزه را در ظرفی می‌گذاشتند و آبی را که از این صافی عبور می‌کرد می‌نوشیدند. در این روش، معمولاً کوزه و سروپوش آن، هر دو مزه‌ای که داشتند، به آب منتقل می‌کردند. در این مواقع اصطلاحاً می‌گفتند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» این ضرب‌المثل بعدها به قضاوت در مورد آدم‌ها رسید. یعنی وقتی این مثل را به کار می‌برند، منظورشان این است که رفتار و گفتار آدم‌ها، نشان‌دهنده درون آن‌هاست.

برگرفته از کتاب «قد و ننگ» گردآوری جعفر شهری

فداکارانی که حاضرند جایز بگیرند!

سلام. از وقتی اعلام کردیم که بعضی متوجه برنده شدن شون نشدن و هنوز جایزه شون رو نگرفتند، پیامک‌های جالبی داره برامون میاد که امروز دوتا از اونها رو تقدیم می‌کنیم شما هم بخونین:

خانمی با شماره همراه ۰۹۱۵۱...۰۰۴ «خفن استرپ عزیز من چکار کنم که همسر هر وقت دلش می‌خواد روزنامه رو می‌گیره و من همون موقع می‌تونم جوابارو بدم. تازه همه رو هم درست جواب می‌دم. می‌شه پیام به جای اونا که نیومدن جایزه شون بگیرن من بگیرم!»
خانم یا آقایسی با شماره همراه ۰۹۱۵۱...۵۴۸ «از کوزه همان برون تراود که در اوست»
برنده یکی از مسابقات بوده هم گفتن: «سلام! شماره من برنده ۱۰۶ تا ۱۰۸ اعلام شده ولی فامیلم اونیه که اعلام کردن نیست! شماره حساب غیرمنطقی بفرستم براتون؟!»
فلا!